



The Effect of the Injured Person's Professional Ability on the Legal Liability of the Injured Person in Damages against Bodily Integrity, in the Legal System of Iran and the Common Law of England

Sanjar Fakhri¹ , Amir Abbas Bozorgmehr^{2*} 

1. Department of Law, Faculty of Law, Edalat University, Tehran, Iran.

2. Department of Private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The person who causes damage to the entire body is required to pay compensation to the injured party and apparently this liability is absolute. If the rules of attribution are examined, this liability is implied on the condition that the fight against the aggravation of physical injury is limited to the harmful act and this is accepted in the English common law. In our country, the rule of attribution is viewed as absolute and there is no specific distinction between it. The aim is to make a comparison between the functioning of the two legal systems of Iran and England in this regard.

Method: This research was conducted using an analytical-descriptive method and attempted to study and identify legal gaps in the rule of causation.

Ethical Considerations: In all stages of writing, the research principles were followed.

Results: The ability of the injured party to save himself should, as a rule, reduce or eliminate the criminal liability of the harmdoer and this issue has a legal status in the common law of England. At the same time, with the expansion of the spectrum of general punishment and the possibility of financial compensation for mental damage in England, this institution has not reduced the deterrent effect of committing a crime. In the proceedings of our country, absolute liability is considered for the cause of the damage and with the lack of separation of civil and criminal responsibilities in the course of causing physical damage; the motivation factor to help the injured party has been minimized.

Conclusion: In the case of a logical separation of the causal factor, the performance of the English legal system can be confirmed. This issue is ambiguous in the judicial system of our country and is only related to informal interpretations. It is necessary to expand legal interpretations and also amend several legal articles, including Article 452 of the Islamic Penal Code, Article 1 of the Penal Code for Failure to Assist the Injured and Article 14 of the Code of Criminal Procedure, while clarifying the effect of the injured party's ability on the legal liability of the harmdoer and to determine the penalties applicable to the harmdoer in a way that, first, encourages him to help him cope with the aggravation of the effect of physical harm and second, deters him from causing such harm.

Keywords: Physical Integrity; Physical Harm; Damage Agent; Injured Party; Common Law Legal System

Corresponding Author: Amir Abbas Bozorgmehr; **Email:** yoonatanss@gmail.com


Received: August 03, 2025; **Accepted:** November 03, 2025; **Published Online:** May 16, 2026

Please cite this article as:

Fakhri F, Bozorgmehr AA. The Effect of the Injured Person's Professional Ability on the Legal Liability of the Injured Person in Damages against Bodily Integrity, in the Legal System of Iran and the Common Law of England. *Medical Law Journal*. 2026; 20: 16.



اثر توانایی حرفه‌ای زیان‌دیده بر مسئولیت حقوقی عامل زیان در خسارات علیه تمامیت جسمانی، در نظام حقوقی ایران و کامن‌لای انگلستان

سنجر فخری^۱، امیرعباس بزرگمهر^{۲*} 

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: عامل ایراد خسارت علیه تمامیت جسمانی، ملزم به پرداخت دیه به زیان‌دیده می‌باشد و علی‌الظاهر این مسئولیت مطلق می‌باشد. اگر در قواعد تسبیب تدقیق شود، این مسئولیت به شرطی تلغیظ می‌گردد که مقابله با تشدید صدمه جسمی منحصر به اقدام زیان‌زننده باشد و این مهم در کامن‌لای انگلستان پذیرفته شده است. در کشور ما به قاعده تسبیب به چشم مطلق نگریسته شده و تفکیک خاصی از آن وجود ندارد. هدف آن است که در این خصوص قیاسی مابین عملکرد دو نظام حقوقی ایران و انگلستان انجام شود.

روش: این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده و هدف، مطالعه تطبیقی و شناسایی خلأهای حقوقی قاعده تسبیب می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش، مطابق با اصول تحقیق عمل گردید.

یافته‌ها: توانایی زیان‌دیده به نجات خود، قاعده‌تاً می‌بایست موجب کاهش و یا حذف مسئولیت کیفری زیان‌زننده باشد و این مهم در کامن‌لای انگلستان دارای جایگاه حقوقی می‌باشد. در عین حال با گسترش طیف مجازات عمومی و همچنین امکان جبران مالی خسارت روحی در انگلستان، این نهاد موجب کاهش اثر بازدارندگی از ارتکاب جرم نشده است. در دادرسی‌های کشورهای ما مسئولیت مطلق برای عامل زیان لحاظ شده و در معیت عدم تفکیک مسئولیت‌های مدنی و کیفری در جریان ایراد خسارات جسمی، عامل انگیزشی در جهت کمک به زیان‌دیده به حداقل رسیده است.

نتیجه‌گیری: در صورت تفکیک منطقی عامل سببیت، می‌توان عملکرد نظام حقوقی انگلستان را مورد تأیید قرار داد. این مهم در نظام قضایی کشور ما دارای ابهام بوده و تنها به تفاسیر غیر رسمی مرتبط است. نیاز است که ضمن گسترش تفاسیر حقوقی و همچنین اصلاح چند ماده حقوقی من جمله ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، ماده اول قانون مجازات عدم کمک به مجروحین و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن تصریح در اثر توانایی زیان‌دیده بر مسئولیت حقوقی زیان‌زننده، مجازات‌های قابل اعمال بر زیان‌زننده را به نحوی تعیین نمود که اولاً موجب ترغیب وی به مقابله با تشدید اثر خسارت جسمی گردد؛ ثانیاً موجب تقویت بازدارندگی از ایراد چنین خساراتی گردد.

واژگان کلیدی: تمامیت جسمانی؛ خسارت جسمی؛ عامل زیان؛ زیان‌دیده؛ نظام حقوقی کامن‌لای

نویسنده مسئول: امیرعباس بزرگمهر؛ پست الکترونیک: yoonatanss@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fakhri F, Bozorgmehr AA. The Effect of the Injured Person's Professional Ability on the Legal Liability of the Injured Person in Damages against Bodily Integrity, in the Legal System of Iran and the Common Law of England. Medical Law Journal. 2026; 20: 16.

مقدمه

جان و مال انسان‌ها مورد احترام و مصون از تعرض است. هیچ کس حق ندارد به جان و مال دیگری آسیبی وارد نماید، البته این قاعده مطلق نبوده و تحت شرایط خاص به حکم قانون این عمل نکوهیده دارای توجیه خواهد بود. قانون‌گذاران برای صیانت از جان و مال تمامی اشخاص، قوانین جبرانی و بازدارنده وضع نموده‌اند. در این راستا آسیب عمدی به جان و مال دیگری مستوجب اعمال مجازات بوده تا بلکه اثر بازدارندگی آن تقویت گردد، اما در وضعیتی که این آسیب‌ها به صورت سهوی ایجاد گردد، نمی‌توان مجازاتی بر عامل اعمال نمود و این مهم مورد اشتراک نظر جملگی حقوقدانان کیفری می‌باشد. از این رو قواعد جبران خسارت متولد گشت و به صورت گسترده مورد بحث قرار گرفت (۱). در صورت بروز خسارت، مسئولین عامل معمولاً به صورت اعاده به وضع سابقه و یا پرداخت قیمت آن نوعی جبران عینی محسوب می‌گردد، اما جبران خسارت جانی به صورت عینی هیچ‌گاه ممکن نبوده و از جهت اجرای اصول عدالت قضایی، مبلغ مادی به زیان‌دیده اعطا می‌گردد که «دیه» نام دارد (۲). این تفاوت موجب شد که جایگاه بحث جبران خسارت در دو شاخه مهم علم حقوق (مدنی و کیفری) تفکیک گردد؛ با این حال به سبب یکسان بودن منشأ بحث، هنوز هم مباحث مشترک زیادی در این حوزه وجود دارد. در نظام حقوقی کامن‌لا که مرز دقیقی مابین مسائل مدنی و کیفری وجود ندارد، ادبیات حقوقی جبران خسارت مادی و جانی یکسان است (۳).

در تبیین رابطه سببیت که یکی از ارکان احراز مسئولیت‌های حقوقی جبران خسارت می‌باشد، اختلاف نظرهایی مابین حقوقدانان وجود دارد. برخی ضمن تبیین دو عنصر مباشرت و تسبیب، مقصر حادثه را در هر حالت ملزم به جبران خسارت می‌دانند (۴). برخی دیگر با توجه به تفسیر شکلی قانون مسئولیت مدنی، تنها خسارتی که به صورت مستقیم از فعل/ ترک فعل زیان‌بار حاصل می‌گردد را مشمول مسئولیت جبران خسارت می‌دانند (۵). حقوقدانان کیفری تمرکز خود را بر مسائل جرم‌شناسانه قرار داده و کمتر به این مسائل توجه

داشته، لذا به تقلید از حقوقدانان مدنی، تسبیب در وقوع جرم را پذیرفته، ولیکن رویه قضایی خاصی در این مورد تبیین ننموده‌اند (۶).

در وضعیت خلأ حقوقی مورد بحث، شرایطی تصور شود که خود زیان‌دیده می‌توانسته پس از وقوع فعل/ ترک فعل زیان‌بار، به طریقی از تشدید خسارت ممانعت نماید. اگر دیدگاه تسبیب از نظر شکلی مورد توجه قرار گیرد، مسبب حادثه تنها مسئول جبران خسارت اولی خواهد بود و خود زیان‌دیده در خصوص مقابله با تشدید خسارت دارای مسئولیت می‌باشد، اما اگر در معنای موسع تدقیق گردد، خسارت‌زننده عامل سببی تشدید خسارت و ضامن مطلق آن محسوب می‌گردد. در خصوص اختلاف این دو دیدگاه تحقیقات مختصری در حوزه حقوق مدنی انجام شده و به تفاوت ماهوی آن با مسائل کیفری توجهی نشده، لذا این مهم در خصوص خسارات جسمی می‌تواند به یک خلأ حقوقی مبدل شده که موجب مخدوش شده اصول عدالت کیفری گردد. با این اوصاف از دیدگاه تئوری و کاربردی ضرورت داشته که در خصوص مسئولیت زیان‌دیده و اثر آن بر مسئولیت زیان‌زننده مطالعه انجام شود.

این تحقیق از دو حیث توجه به جنبه کیفری و قیاس با عملکرد نظام حقوقی کامن‌لا، دارای نوآوری می‌باشد. در رویه قضایی نظام حقوقی انگلستان، اثر مسئولیت زیان‌دیده به صراحت محرز است. قضات کیفری در این کشور مجازات‌های متنوعی را اعمال می‌نمایند که موجب ترغیب زیان‌زننده به کاهش آثار اقدامات خود می‌باشد. بنابراین تفاوت‌های ماهوی مابین عملکرد دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا وجود داشته که قطعاً نقاط قوت و ضعفی برای آن متصور است.

لذا محقق بر آن شد که ضمن بررسی عملکرد هر دو نظام حقوقی در خصوص موضوع مورد بحث، ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف، بایسته‌های اصلاح تقنینی این حوزه را مشخص نماید.

ابتدا در خصوص ایراد خسارت جسمی، سپس در خصوص توان مجنی‌علیه برای نجات و در ادامه در خصوص کیفیت مجازات‌های اعمالی بحث گردیده و در انتها مطالعه تطبیقی

مابین عملکرد هر دو نظام حقوقی انجام شده و در نهایت ضرورت‌های حقوقی مرتبط تشریح گردیده است.

۱. **مبانی، مفاهیم و شرح پژوهش:** در ادبیات حقوقی کشور ما، خسارت جسمی در حوزه حقوق کیفری مورد توجه قرار گرفته، اما به مانند دیگر مباحث حقوق کیفری نظیر خسارت عمدی، توجه ویژه‌ای به قواعد احراز آن نشده است. در نظام حقوقی کامن‌لا، مباحث جبران خسارت به صورت توأمان خسارات جانی و مالی را دربر می‌گیرد.

قانون‌گذار کشورمان جرم‌انگاری ایراد عمدی خسارات مادی و جسمی را به ترتیب در مواد ۶۷۷ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) انجام داده است. با این اوصاف اصل بر این است که این نوع از جرائم غیر قابل گذشت محسوب شده و بزه‌دیده تنها در خصوص حقوق مادی خویش مجاز به گذشت می‌باشد که البته به سبب کیفیات مخفیه، بر مسئولیت کیفری بزهکار مؤثر خواهد بود (۷).

قانون‌گذار در کشور ما شامل قوه مقننه و در کامن‌لای انگلستان شامل قضات دادگستری می‌باشد که با رویه‌سازی قضایی، عملاً نسبت به قانون‌گذاری اقدام می‌نمایند.

۲. **خسارت جسمی در ادبیات حقوق کیفری:** در ادبیات حقوقی کشور ما، ایراد خسارات مادی در شمول قوانین مدنی مورد تحلیل قرار گرفته که ارکان ثلاثه برای احراز مسئولیت مدنی جبران خسارت وجود دارد. خسارت جانی وارده نیز مشتمل بر پرداخت دیه مندرج در کتاب دیات قانون مجازات اسلامی خواهد بود. این شرایط در وضعیت جنایات عمدی نیز وجود دارد، لذا در وضعیت فقدان قصد و نیت مجرمانه، تنها مسئولیت کیفری منتفی می‌گردد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه به موجب مواد ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ۱۴ آیین دادرسی کیفری خسارت روحی و معنوی در قوانین کشور ما به رسمیت شناخته شده، لیکن در رویه قضایی شیوه جبران آن به درستی کشور مشخص نیست. علی‌الظاهر قانون‌گذار جبران این نوع خسارت را تنها به لزوم عذرخواهی رسمی منوط نموده و جبران مالی برای آن متصور نیست.

با این اوصاف می‌توان چنین برداشت نمود که در کشور ما مسبب خسارت جانی تنها ملزم به پرداخت مقدار مشخص جزای نقدی بوده که از آن با عنوان «دیه» نام برده می‌شود و ثبات این مقدار می‌تواند بر نتیجه‌بخش بودن سیاست کیفری این حوزه اثربخش باشد.

در نظام حقوقی انگلستان این وضعیت وجود دارد و ایراد خسارات مادی و جانی مستوجب مجازات خواهد بود. با این حال تحت شرایط خاص که همکاری بزهکار موجب جبران بخشی از خسارت شده باشد و بزه‌دیده نیز رضایت خود را به عفو اعلام دارد؛ این جرم به تشخیص قاضی جزئی از جرائم قابل گذشت محسوب شده و احتمال صدور حکم برائت وجود دارد (۸).

بحث در خصوص احراز عمدی بودن ایراد خسارت خارج از موضوع پژوهش کنونی بوده و تمرکز بحث بر احراز مسئولیت زیان‌زننده و ارتباط آن با توانایی مقابله با تشدید توسط زیان‌دیده است.

در نخستین قیاس می‌توان بیان داشت که حقوقدانان به لزوم مجازات بزهکاری که موجب ایراد خسارت مادی و جسمی شده، اتفاق نظر دارند، اما تفاوت مهم اینکه در انگلستان تحت شرایط خاص می‌توان امکان صدور حکم برائت را صادر نمود و به سبب محسوب‌شدن این جرم در شمول جرائم غیر قابل گذشت در کشور ما، امکان صدور حکم برائت و یا قرار بایگانی پرونده وجود ندارد.

در رویه کامن‌لای انگلستان، به شرط تشخیص قاضی به تقصیر زیان‌زننده، مسئولیت جبران خسارات حسب تشخیص قاضی به شرح ذیل محرز است (۹):

۱- جبران مالی خسارت مالی و جانی.

۲- جبران مالی خسارت روحی.

۳- هزینه‌های درمان و توان‌بخشی.

۴- جبران خسارت روحی بستگان درجه ۱.

پرواضح است که طیف وسیع مجازات‌ها در اختیار قاضی قرار داشته که بسته به موضوع نسبت به انتخاب جمعی از آنان اقدام می‌نماید. علی‌الظاهر مسئولیت کیفری زیان‌زننده به

زیان‌زننده کاسته می‌شود، چراکه احتمال تشدید جراحت نیز کمتر خواهد بود (۱۱)، اما در نگاه وسیع‌تر، این توانایی بر مسئولیت حرفه‌ای مشاغل مذکور بی‌اثر است، چراکه اصول اخلاقی حرفه‌ای آنان وابسته به توان مجروح نخواهد بود، لذا بر مسئولیت زیان‌زننده غیر حرفه‌ای مؤثر خواهد بود (۱۲).

خلاً قوانین جزایی در مورد بحث مذکور با دو موضوع ذیل مرتبط است.

در نگاه نخست، در مورد ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی بحث فراوان است. قانون‌گذار در طی سال‌های متمادی در نظر داشت که مسئولیت مدنی جبران خسارت بدنی را مستقل از دیه اعلام نماید و در نهایت این تلاش‌ها با وضع ماده مذکور با شکست مواجه شد و مسئولیت مدنی خسارت بدنی تنها به جبران برخی از هزینه‌های جزئی توان‌بخشی محدود شد (۱۳). با این اوصاف دیه مقداری است ثابت که زیان‌زننده را تنها به جبران خسارت جسمی که به صورت مباشر ایجاد شده محدود می‌نماید.

مسئله دیگر اینکه در تفسیر شکلی دو ماده مذکور مرتبط با خسارت روحی جبران مادی این نوع خسارت محل سؤال است.

در رویه قضایی کشور ما حتی به فرض رسمیت جبران مادی خسارات روحی (در این خصوص بحث فراوان است) این مهم مشمول خسارات جسمی مستقیم نمی‌گردد (موضوع تبصره دوم ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری). همچنین ثابت بودن میزان دیه، اختیار قاضی برای تلغیظ (به معنی تشدید و مضاعف کردن) مسئولیت کیفری ایراد خسارت جسمی به سبب عدم کمک‌رسانی به زیان‌دیده را محدود می‌نماید. با این اوصاف عملاً مسئولیت کیفری زیان‌زننده ثابت بوده و همین مسئله موجب عدم ترغیب وی برای کمک به زیان‌دیده خواهد شد (۱۴، ۱۵).

در کشور ما، با وجود نظرات متفاوت در خصوص جبران خسارت روحی که بحث در مورد آن خارج از حوصله پژوهش کنونی می‌باشد، حسب تفسیر موسع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری امکان جبران مالی خسارت روحی حسب نظریه پزشکی قانونی وجود دارد (۱۶)، لیکن در غیاب رأی

نسبت رویه مشابه در کشور ما بسیار شدیدتر است، اما چنانچه در ادامه بیان شده، حسب مورد این مجازات‌ها می‌تواند خفیف‌تر از کشور ما باشد.

با این اوصاف می‌توان بیان داشت که دامنه شناور تعیین مجازات برای ایراد خسارت جسمی و اختیار قاضی به تعیین آن، این امید را تقویت کرده که با اقدامات جبرانی بتوان از مزایای آن بهره‌مند شد و این مسأله بر سیاست کیفری این کشور در حوزه حمایت از تمامیت جسمی افراد اثرگذار است.

۳. مسئولیت مجروح در مقابله با تشدید جراحت: به توان مصدوم برای نجات خود پس از بروز حادثه اشاره شد. در این خصوص چند بحث مهم مطرح است. مسأله مهم اینکه در صورت توانایی مصدوم برای کمک به خود، احتیاج به کمک توسط زیان‌زننده بسیار کمتر خواهد بود. در واقع سطح توقع از زیان‌زننده کمتر است. تصور شود که زیان‌دیده پرستار یا پزشک باشد، در این صورت اگر زیان‌زننده تنها ابزارهای لازم را برای وی تهیه کند، برای کمک کفایت دارد، اما به فرض عدم توانایی حرفه‌ای زیان‌دیده، مسبب حادثه می‌بایست پیگیر تمامی اقدامات درمانی وی باشد.

۳-۱. رویه قضایی در ایران: قانون‌گذار کشورمان با وضع قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی در سال ۱۳۵۴، برای تمامی اشخاصی که به نحوی توان کمک به مجروحین را داشته و از آن اجتناب می‌نمایند، مسئولیت کمک قرار داده است. علی‌الظاهر طی اظهار نظرهای ساده حقوقی، این مسئولیت تنها مختص مشاغلی است که وظیفه کمک‌رسانی دارند (نظیر پرستار، پزشک و...)، اما در تفسیر موسع مواد اول و دوم این قانون و نظر تکمیلی حقوقدانان کیفری، هر کس که توان کمک به مجروحین را داشته باشد دارای مسئولیت خواهد بود، ولیکن این مسئولیت در خصوص مشاغل مذکور برجسته‌تر و مجازات کیفری قصور در کمک‌رسانی برای آنان شدیدتر می‌باشد (۱۰).

در حالتی که زیان‌دیده خود توان مقابله با تشدید جراحت را داشته باشد، مسئولیت شخص دیگر قابل بحث است. علی‌الظاهر در صورت توان زیان‌دیده، از مسئولیت‌های

روش

روش تحقیق به صورت تحلیلی - توصیفی است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

توانایی زیان‌دیده به نجات خود، قاعدتاً می‌بایست موجب کاهش و یا حذف مسئولیت کیفری زیان‌زننده باشد و این مهم در کامن‌لای انگلستان دارای جایگاه حقوقی می‌باشد. در عین حال با گسترش طیف مجازات عمومی و همچنین امکان جبران مالی خسارت روحی در انگلستان، این نهاد موجب کاهش اثر بازدارندگی از ارتکاب جرم نشده است. در دادرسی‌های کشور ما مسئولیت مطلق برای عامل زیان لحاظ شده و در معیت عدم تفکیک مسئولیت‌های مدنی و کیفری در جریان ایراد خسارات جسمی، عامل انگیزشی در جهت کمک به زیان‌دیده به حداقل رسیده است.

بحث

۱. وجوه اشتراک و افتراق عملکرد نظام های حقوقی

مورد مطالعه: ذیل این قسمت مابین عملکرد دو نظام حقوقی مورد مطالعه قیاس صورت گرفته و سعی گردیده که جوانب افتراق و اشتراک شناخته شود.

۱-۱. **تفکیک / عدم تفکیک رابطه سببیت:** در خصوص مسئولیت مدنی جبران خسارت جانی در کشور ما، حسب رویه قضایی، تنها چند مورد خاص و به صورت جزئی شامل هزینه توان‌بخشی، هزینه روزمره به صورت جزئی و هزینه‌های اورژانس به عنوان مسئولیت حقوقی این حوزه وجود دارد (۱۷)، اما در خصوص تبیین رابطه سببیت، همواره اختلاف نظر مشهود بوده و شمار آرای نقض شده در جریان تجدید نظر یا فرجام‌خواهی این حوزه فراوان است (۱۸). در مورد فقدان صدور رأی وحدت رویه در این حوزه محل تأمل وجود دارد.

وحدت رویه خاص، این رویه عام نبوده و تنها در برخی از موارد مشهود می‌باشد. با این اوصاف می‌توان بیان داشت که در جمع‌بندی نظرات مختلف امکان جبران مادی خسارت معنوی وجود دارد که مشمول موارد مستوجب دیه و تعزیرات شرعی نمی‌گردد.

به عنوان مثال فرض شود که شخص «الف» به پای «ب» ضربه وارد نموده و موجب شکستگی آن شده است. ممکن است شخص «ب» ضمن برخورداری از توانایی حرفه‌ای خود قادر به بستن موقت پای شکسته بوده تا به موقع خود را به بیمارستان برساند. در این صورت تنها شکستگی پا آسیب محسوب می‌گردد، اما در فرض عدم توانایی «ب» ممکن است خونریزی شدید موجب احتیاج به عمل جراحی وی گردد، در صورتی که «ب» زنده بماند، مسئولیت کیفری ثابت برای «الف» مفروض است. در غیر این صورت ممکن است اتهام قتل شبه‌عمد متوجه وی باشد.

۲-۳. **رویه قضایی در انگلستان:** در کامن‌لای انگلستان، به صراحت محرز است که میزان توانایی زیان‌دیده در مقابله با تشدید جراحات، از مسئولیت حقوقی زیان‌زننده می‌کاهد و قاضی را مجاب خواهد نمود که در انتخاب طیف مختلف مجازات‌ها، کیفیات مخففه را تا سرحد عفو کامل اعمال نماید (۱۴). در عین حال هزینه‌های درمانی و جبران مادی خسارت مستقل از نهاد دیه بوده و مستوجب تشدید مسئولیت زیان‌زننده (۱۵). بنابراین زیان‌زننده نسبت به مقابله با تشدید جراحات دارای انگیزه بیشتر خواهد بود.

در مثال پیشین، با فرض حدوث در انگلستان، ممکن است به سبب عدم کمک‌رسانی «الف»، قاضی مجازات‌هایی نظیر خسارت روحی، پرداخت هزینه عمل جراحی و تشدید جزای نقدی را اعمال نماید، اما در صورت توانایی حرفه‌ای «ب» و کمک‌رسانی «الف» تنها وی را به پرداخت هزینه‌های درمانی محکوم نماید. دامنه گسترده طیف مجازات موجب انگیزه «الف» برای کمک به «ب» می‌گردد و توانایی «ب» بر میزان این مسئولیت اثرگذار است.

است. در کامن‌لای انگلستان که قضات از اختیار بالا برای صدور حکم برخوردار می‌باشند، اثر توانایی آسیب‌دیده بر مسئولیت کیفری زیان‌زننده به خوبی مشخص است.

در یک مورد گزارش‌شده که شخصی به نام جیمی (Jimmy) که ضمن درگیری لفظی یقه استوین (Stoin) را فشرده بود، موجب سکت قلبی وی شد، اما در نهایت با این تفسیر حکم برائت جیمی صادر شد که استوین که کمک‌پزشک می‌باشد و در کیف خود آمپول کاهنده فشارخون به همراه دارد؛ پس از فشردن یقه و رهاسازی، می‌توانست سریعاً آمپول عضلانی خود را تزریق نماید و در این خصوص قصور نمود، لذا جیمی که تنها یقه وی را به صورت متعارف فشرده است، از مسئولیت میراست (۲۲).

به صورت مشابه این حادثه در سال ۱۳۸۸ در شهرستان اردبیل رخ داد و شخص آسیب‌دیده که پزشک بود، فوت نمود و قاضی دادگاه کیفری ۱ با این تفسیر که فعل مهاجم زیان‌بار بوده است، وی را به قصاص محکوم نمود که در جریان فرجام‌خواهی نیز تأیید گردید (۲۳).

اما در موردی دقیقاً مشابه در سال ۱۳۸۶ در شهرستان تربت جام، با این تفسیر که آسیب‌دیده پرستار بوده و فرصت کافی برای اطلاع به همکاران خود داشته است، ضمن نقض حکم بدوی، مسئولیت مهاجم تنها به نوع مدنی و پرداخت هزینه‌های بیمارستان خلاصه شد (با وجود سکت قلبی، پرستار از مرگ نجات یافت) (۲۴).

عرفی‌بودن احراز رابطه سببیت با توجه به توانایی حرفه‌ای زیان‌دیده، در نظام کامن‌لای انگلستان به خوبی پذیرفته شده و این مهم از ماهیت نظام حقوق عرفی نشأت می‌گیرد، اما در کشور ما که اعمال حقوقی و اداری شدیداً به قوانین نوشته وابسته می‌باشد، تعیین رویه عرفی در این خصوص تنها به همت مسئولین ارشد قضایی (به صورت نظرات مشورتی و رأی وحدت رویه) ممکن است. بنابراین عدم توجه به این مسأله در نظام قضایی محل انتقاد است و با توجه به پیچیدگی وضع قانون در قوه مقننه، انتظار می‌رود که به عنوان راهکار کوتاه‌مدت، قوه قضاییه در این خصوص اظهار نظر نماید.

مطابق با رویه قضایی کنونی، توانایی شخص مجروح به مقابله با تشدید جراحت و پیش روی خسارت جانی، به سبب عدم ارتباط مباشر با خسارات ثانوی، بر مسئولیت کیفری زیان‌زننده بی‌اثر است (۱۹).

در برخی موارد جزئی مشهود بوده که آرای مذکور در مرحله شکایت از آرا با این استدلال نقض شده که حسب قاعده تسبیب و حضور برجسته آن به عنوان رکن سوم احراز مسئولیت مدنی و ارتباط این حوزه با نهاد خطای محض مطرح در قانون مجازات اسلامی، توانایی زیان‌دیده به مقابله با تشدید جراحت بر مسئولیت کیفری زیان‌زننده غیر حرفه‌ای مؤثر و بر زیان‌زننده و اشخاص ثالث حاضر حرفه‌ای غیر مؤثر خواهد بود (۲۰).

نظریه دوم در کامن‌لای انگلستان پذیرفته شده و اثر توانایی مذکور تنها بر زیان‌دیده غیر حرفه‌ای محرز است، چراکه افراد حرفه‌ای نظیر پرسنل اورژانس، دکتر، پرستار و... خواه به عنوان شخص ثالث و خواه به عنوان زیان‌زننده، همواره در نجات جان مجروح و آسیب‌دیده دارای مسئولیت مطلق خواهند بود (۲۱). تا اینجا مشخص است که در کامن‌لای انگلستان رابطه سببیت به دو بخش تفکیک شده که توانایی زیان‌دیده بر آن مؤثر است، اما این تفکیک به جزء چند کتاب حقوقی در کشور ما، در جایی دیگر مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین رابطه سببیت تنها به صورت مطلق نگریسته شده و تنها خاص تعیین مسئولیت جرائم عمدی دانسته شده است.

۱-۲. اعمال دغدغه‌های جرم‌شناسی: در کشور ما توجه حقوقدانان به مسأله بازدارندگی از جرم متمرکز بوده، لذا چندان به مسأله قواعد احراز مسئولیت کیفری مورد بحث، توجهی نداشته‌اند. این در حالی است که اختیار بالای قاضی در انگلستان به نحوی بهتر موجب بازدارندگی از جرم می‌گردد و بحث خاصی در خصوص قواعد این حوزه مطرح نمی‌باشد. ذیلاً در این خصوص بیشتر بحث گردیده است.

سیاست کیفری در حوزه قضایی این است که قضات به نحوی بازدارنده و تأدیبی مجازات را تعیین نمایند. در کشور ما این سیاست در دادگاه‌های انقلاب به نحوی بهتر پیاده‌سازی شده

۳-۱. ثبات / متغیربودن میزان خسارت جسمی: قطعاً

قابلیت تغییر مجازات، به نحوی بهتر موجب تقویت بازدارندگی خواهد شد و این مسأله بیشتر مورد توجه حقوقدانان می‌باشد. در واقع بزه‌دیده با تصور امکان کاهش و یا حتی عفو مجازات، به نحوی بهتر سعی در کنترل اقدامات خود دارد.

در کشور ما دیه مقداری معین، ارش با وجود غیر معین بودن توسط پزشکی قانونی تعیین و جزای نقدی نیز به صورت مصرح در قانون تعیین می‌گردد (۲۵). خسارت روحی در صورت تشخیص قاضی و توسط پزشکی قانونی تعیین می‌گردد. بنابراین ثبات میزان مجازات‌ها موجب کاهش انگیزه متهم در ممانعت از تشدید اثر بزه ارتكابی دارد. به عنوان مثال فرض شود که مهاجم با چاقو به دست بزه‌دیده ضربه می‌زند. با توجه به قرارگرفتن یکی از رگ‌های اصلی در دست، این فعل نوعاً کشنده محسوب شده که در صورت فوت بزه‌دیده این اقدام جنایت عمدی محسوب می‌گردد. در صورت زنده ماندن بزه‌دیده، دیه آسیب به دست به صورت مقدر تعیین می‌گردد. ثبات مجازات موجب کاهش بازدارندگی می‌گردد.

اما در برخورد کامن‌لای انگلستان با موضوع مذکور دو حالت متصور است. در صورت توانایی زیان‌دیده به مقابله با تشدید خونریزی، حتی به فرض فوت وی، مسئولیت مهاجم تنها به خسارت جسمی وارده و احتمالاً خسارت روحی و هزینه‌های درمان محدود می‌باشد. رویه مشابه کشورمان در صورتی مشهود است که بزه‌دیده توان مقابله با تشدید خونریزی را نداشته باشد (۲۶). با این اوصاف نیز قاضی در تعیین طیف مجازات مختار است و این مسأله موجب انگیزه کمک به زیان دیه می‌گردد.

در صورت عدم توانایی زیان‌دیده به مقابله با تشدید صدمات، مسئولیت تمامی آسیب‌های اولیه و ثانویه ایجادشده بر عهده زیان‌زننده خواهد بود.

۲. بررسی نقاط قوت و ضعف عملکرد نظام‌های حقوقی

مورد مطالعه: در خصوص اثر توانایی آسیب‌دیده بر مسئولیت زیان‌زننده بحث مکفی انجام شده و عملکرد دو نظام حقوقی مورد بحث قرار گرفت. ذیل این قسمت ضمن قیاس حقوقی،

نقاط قوت و ضعف عملکرد مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲-۱. امکان بهره‌مندی از عفو: در خصوص امکان عفو زیان‌زننده در انگلستان، این مورد به مواردی محدود بوده که خسارت ایرادشده به صورت جزئی بوده و مهاجم پس از کمک به آسیب‌دیده برای نجات وی، موفق به اخذ رضایت گردیده و تنها به پرداخت هزینه‌های درمانی محکوم می‌گردد (۲۷).

به عنوان مثال در یک مورد مهاجم طی درگیری موجب شکسته‌شدن انگشت بزه‌دیده شده و پس از مشاهده مجروحیت، وی را به بیمارستان رسانده و هزینه‌های درمانی را متقبل شده است. پس از اعلام رضایت بزه‌دیده، حکم برائت زیان‌زننده صادرشده است (۲۸).

در کشور ما ایراد خسارت عمدی، جزئی از جرائم غیر قابل گذشت محسوب شده و حتی در صورت رضایت کامل بزه‌دیده، به نظر نمی‌رسد که بتوان حکم به برائت مهاجم صادر نمود.

توانایی بزه‌دیده در کمک به خود، موجب سهولت در کمک بزهکار به وی خواهد شد. بنابراین در وضعیتی که بزه‌دیده از توانایی کمک به خود برخوردار است، امکان عفو بزهکار بیشتر خواهد بود. به این رویه نیز انتقاداتی وارد است، چراکه ممکن است در تعرض به افراد دارای توانایی کمک به خود، آسوده‌خاطری وجود داشته باشد. با این اوصاف اختیار قاضی به تعیین جزای عمومی، می‌تواند تا حدی از این آسوده‌خاطری بکاهد.

۲-۲. ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی: در زمان اصلاح

قانون مجازات اسلامی، بحث‌های گسترده در خصوص ماده ۴۵۲ مطرح بود. برخی آن را عادلانه و برخی دیگر آن را ضامن امنیت اجتماعی می‌دانستند (۲۹). به نظر می‌رسد که ثابت‌بودن دیه برخلاف سیاست‌های کیفری این حوزه محسوب می‌گردد. در کامن‌لای انگلستان مسئولیت مدنی و کیفری ایراد خسارت جانی تفکیک شده و این مسأله موجب بازدارندگی بهتر از ایراد خسارات جانی خواهد شد. همچنین با توجه به ارتباط تنگاتنگ دیه و مسئولیت مدنی، در صورت احراز مسئولیت مدنی زیان‌زننده، می‌توان اثر توانایی شخص مجروح در کمک

به ابهامات در احراز رابطه سببیت اشاره شد. از دیدگاه اقوی، اگر فعل/ ترک فعل زیان‌بار به صورت مباشر و یا تسبیب موجب بروز خسارت گردد، رابطه مسئولیت مدنی تکمیل می‌گردد (۳۵). غیاب اظهار نظر مشابه در بین حقوقدانان کیفری موجب شده که رابطه سببیت تنها در صورت مباشرت محرز گردد و این در حالی است که بحث تسبیب در ادبیات حقوق کیفری بدون جایگاه نبوده، و لیکن متمرکز بر جرائم عمدی می‌باشد (۳۶). در تعمیم قواعد تسبیب مندرج در حقوق کیفری و قیاس آن با موارد مندرج در قانون مسئولیت مدنی، می‌توان تسبیب را به دو نوع عرفاً منطقی و عرفاً غیر منطقی تقسیم نمود. در این صورت تسبیب در صورتی موجب احراز مسئولیت حقوقی خواهد شد که عرفاً تنها دلیل ایجاد خسارت باشد (۳۷).

با این اوصاف در صورت ایراد خسارت مادی و جسمی، می‌توان برای خسارت‌دیده نیز مسئولیت در نظر گرفت، چراکه تشدید خسارت تنها وابسته به فعل زیان‌بار نبوده است. ایراد اولیه خسارت منحصر به فعل/ ترک فعل زیان‌بار است، اما تشدید آن به عوامل متعدد وابسته می‌باشد (۳۸). این مهم پوشش‌دهنده قواعد تسبیب در حقوق کیفری نیز می‌باشد. با این اوصاف می‌بایست در این خصوص نظریه رسمی صادر نمود که به موجب آن توانایی کمک به خود در جریان ایراد خسارت بدنی، موجب محدودیت مسئولیت زیان‌زنده به خسارتی شده که به صورت مباشر ایجاد نموده و مقابله با تشدید آن نیز منحصر به فعل وی است. این قاعده تنها برای زیان‌زنده غیر حرفه‌ای، محرز می‌باشد.

قانون‌گذار کیفری تمامی اقسام جرائم را به دو دسته قابل گذشت و غیر قابل گذشت تفکیک کرده و این در حالی است که این تفکیک در کامن‌لای انگلستان به صراحت وجود ندارد (۳۹). ماهیت نظام حقوق کیفری در کشور ما چنین ایجاب کرده که به صراحت در مورد یک مسأله خاص اظهار نظر گردد. در حال حاضر قواعد کیفیات مخففه در کشور ما تنها موجب اختیار تخفیف مجازات گردیده و تغییر نوع مجازات از غیر قابل گذشت به قابل گذشت تنها در اختیار قانون‌گذار می‌باشد (۴۰).

به خود را مؤثر بر مسئولیت دانست، چراکه به عقیده اکثریت حقوقدانان برجسته مدنی، این توانایی موجب خدشه به رابطه سببیت (رکن سوم احراز مسئولیت مدنی) شده و مسئولیت مسبب تنها به ایراد خسارت اولیه محدود خواهد شد (۳۰، ۳۱).

با این اوصاف طیف مسئولیت‌های حقوقی زیان‌زنده عمدی/ غیر عمدی متغیر بوده و این امر خود موجب تشدید بازدارندگی خواهد شد.

بنابراین گام اول در خصوص تحقق سیاست کیفری مورد بحث، تفکیک مسئولیت‌های مدنی و کیفری خسارت جسمی می‌باشد.

۳. نقد حقوقی مرتبط: با توجه به مطالب مذکور، انتقاداتی به عملکرد نظام‌های حقوقی مورد مطالعه وجود داشته که ذیلاً در این خصوص بحث گردیده است.

۳-۱. اثر حرفه بر مسئولیت زیان‌زنده: چنانچه بیان شد، در رویه قضایی کنونی هنوز اثر توانایی آسیب‌دیده بر مسئولیت زیان‌زنده به طور کامل مورد پذیرش قرار نگرفته است. به فرض پذیرش، حرفه زیان‌زنده نیز بر آن اثر داشته و این مهم جزء اشتراکات دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌باشد. لازمه اشتراک کامل آن است که رأی وحدت رویه در این خصوص صادر گردد. در رأی مذکور، نیاز است که اثر حرفه نیز تفکیک شود، چراکه این مهم نیز جزئی از اختلاف نظرهای حقوقدانان کیفری محسوب می‌گردد (۳۲).

به عقیده جرم‌شناسان، این اقدام می‌تواند در حرفه‌های پزشکی موجب تقویت اخلاق حرفه‌ای گردد. در انگلستان آمار ارتکاب جرائم عمدی توسط کادر درمان بسیار پایین بوده و در موارد غیر عمدی نیز در اکثر موارد منجر به صدور حکم برائت کامل شده است (۳۳).

اما در کشور ما آمار جرائم غیر عمدی کادر درمان نسبتاً بالاست (۳۴). این مسأله می‌تواند مورد توجه وزارت بهداشت نیز واقع شود.

نیاز است که قانون مصوب سال ۱۳۵۴، به نحوی مقتضی اصلاح گردد.

در خصوص موضوع مورد بحث، به نظر می‌رسد که پیچیدگی ادله اثبات کیفری در حقوق ایران خود مزید بر علت شده که بازدارندگی از ارتکاب جرائم علی‌تامت جسمانی را کاهش دهد. این در حالی است که در انگلستان علم قاضی درجه عالی ادله اثبات محسوب شده که این مسأله به تقویت بازدارندگی از جرائم کمک می‌نماید.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌نهایی اینکه ادبیات حقوقی کشور ما ضمن تفکیک اثر فعل/ ترک فعل زیان‌بار به دو نوع مباشر و سببی، نوع سببی را تفکیک‌بندی ننموده و نیاز است که به دو نوع عرفاً اثرگذار و عرفاً بی‌اثر تقسیم‌بندی گردد تا بدین‌صورت تنها عامل سببی که منحصر به عمل زیان‌زننده باشد، تکمیل‌کننده قواعد مسئولیت مدنی دانسته شده و این مهم به قواعد تسبیب مندرج در ادبیات حقوق کیفری تعمیم داده شود. در این صورت در جهت تکمیل قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی، می‌توان توانایی زیان‌دیده را مؤثر بر مسئولیت حقوقی زیان‌زننده دانست. این امر با وجود مشهودبودن در جریان نقض چند رأی قضایی، در جریان دادرسی به رسمیت شناخته نشده و با این اوصاف تشدید جراحات و صدمات بدنی به صورت مطلق مستوجب مسئولیت حقوقی زیان‌زننده خواهد بود. در کامن‌لای انگلستان توانایی زیان‌دیده در صورتی موجب تلغیظ مسئولیت زیان‌زننده خواهد شد که حرفه وی مرتبط با کمک به مصدومین نباشد. طیف گسترده مجازات‌های عرفی در انگلستان و همچنین امکان عفو کامل در صورت کمک قابل توجه زیان‌زننده، سیاست کیفری در کاهش جرائم علیه تمامیت جسمانی را به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و نیاز است که این اقدامات به الگویی جهت اصلاح سیاست کیفری در کشور ما قرار گیرد.

پیشنهادات: مبتنی بر نتایج حاصله، پیشنهاد می‌گردد که:

- ضمن اصلاح قانون مجازات اسلامی، نهادهای مسئولیت کیفری و مدنی در جریان ایراد خسارات جسمی، تفکیک گردند.

به نظر می‌رسد که اگر امکان رفع کامل مسئولیت کیفری برای مهاجم وجود داشته و شرط این مهم شامل کمک به مقابله با تشدید خسارات بدنی باشد، بتوان به نحوی بهتر موجب بازدارندگی از این‌گونه جرائم شد.

۲-۳. اثر حقوق عرفی: فقدان رویه خاص در مورد موضوع مورد بحث در ادبیات حقوقی کشور ما نمایان است. پرواضح است که دادگاه‌های بدوی فرض بر مسئولیت مطلق مهاجم داشته و این نظریه گاه در جریان شکایت از آرای تعدیل‌شده و گاه به قوت خود باقی مانده و تاکنون رأی وحدت رویه در این خصوص صادر نشده است (۴۱، ۴۲)، اما در کامن‌لای انگلستان رویه قضایی به درستی مشخص است.

فرض مسئولیت مطلق برای حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی، می‌تواند به نحوی بهتر موجب التزام به مسئولیت‌های اخلاقی شود، این مهم از دیدگاه حقوق پزشکی موجب تقویت اخلاق حرفه‌ای می‌گردد (۴۳، ۴۴).

وابسته‌بودن مسئولیت کیفری مهاجم غیر حرفه‌ای به نتیجه عملکرد خود، در صورتی موجب تقویت بازندگی می‌گردد که دامنه اعمال مجازات بر وی نیز متغیر باشد (۴۵، ۴۶). در اکثریت مواقع که نتیجه تشدید جراحات ممکن است به خسارات مادی بیشتر منتهی گردد، مطابق با ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت‌های مدنی و کیفری مهاجم تنها به پرداخت دیه محدود بوده، لذا عامل انگیزشی برای مقابله با تشدید جراحات وجود ندارد.

سیاست کیفری در هر موضوع خاص با عنوان مجرمانه، عمدتاً بر تقویت بازدارندگی متمرکز است. ساده‌ترین راهکار این مهم تشدید مجازات و تلاش برای شناسایی بهتر اعمال مجرمانه می‌باشد. در کشور ما اعمال سیاست کیفری گاه نیازمند تغییر در قانون موضوعه بوده که عملی پیچیده محسوب می‌گردد (۴۷-۴۹). اعمال سیاست کیفری در کامن‌لای انگلستان به نحوی ساده‌تر و با کیفیت بهتر انجام می‌شود، چراکه قضات آگاه به موضوع که از حیث اجرای عدالت کیفری مورد وثوق می‌باشند، به راحتی قدرت اعمال سیاست‌های کیفری مطروحه را دارند (۵۰).

- ضمن اصلاح قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مسئولیت‌های زیان‌زننده حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای (حرفه پزشکی و پیراپزشکی و امدادی) تفکیک شده و توانایی کمک به خود توسط زیان‌دیده، بر مسئولیت زیان‌زننده غیر حرفه‌ای مؤثر اعلام گردد. همچنین نیاز است که متعاقب این وضعیت، دامنه مجازات عمومی خسارت به تمامیت جسمانی توسعه یابد تا موجب تقلیل اثر بازدارندگی نگردد. در خصوص جبران مالی خسارت روحی و جزئیات آن صراحت لازم به خرج داده شود تا این مهم به طیف مجازات‌ها اضافه شده و از قابلیت بازدارندگی بیشتر برخوردار گردد.

مشارکت نویسندگان

سنجر فخری: نگارش اولیه و اصلاح به کمک استاد راهنما. امیرعباس بزرگمهر: ایده اولیه، نظارت بر نگارش، پیگیری چاپ و اصلاحات نهایی تا زمان پذیرش. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Mansour Lakourej A, Abbasi A, Ghorbani A. Consequences of Incorrect (Non-Criminal) Criminalization and Ways Out of It. *Medical Law*. 2021; 15(1): 19-36. [Persian]
2. Mehra N, Mahmoudian Esfahani K, Ebrahimi O. Principles of Protective Criminalization in the Law Implementing General Policies of Article 44 of the Constitution. *Legal Studies*. 2021; 13(1): 231-258. [Persian]
3. Wilson W. Consenting to personal injury. In *Consent*. Routledge. 2016; 1(1): 84-110.
4. Bagheri A. Iranian Court Procedure and Criminal Law in Suspension of Punishment. 11th National Conference on Law, Social and Human Sciences; Psychology and Counseling, Shirvan. 2021; 1(1): 55-60. [Persian]
5. Mahmoud Soltani T, Sheikh-e-Islami A, Taji H. Components of Differentiation of Investigation in the Field of Crimes against Security. *Detective*. 2021; 16(58): 217-235. [Persian]
6. Malek Mohammadi H. *Criminology Theories*. Tehran: Mizan Publications; 2019. p.65-70. [Persian]
7. Bakhsh Barati Y, Roustasadrabadi H; Koosha J. A study of criminalization in the field of culture and theoretical limitations of this type of criminalization. *Legal Research Quarterly*. 2021; 25(98): 119-144. [Persian]
8. Goudkamp J, Katsampouka E. Punitive damages and the place of punishment in private law. *The Modern Law Review*. 2021; 84(6): 1257-1293.
9. Sugarman S. Tort damages for non-economic losses: Personal injury. In *Comparative Tort Law*. London: Edward Elgar Publishing; 2021. p.305-335.
10. Alipour H, Kargari N. Crimes against Financial Security. Tehran: Khorsandi Publications; 2017. p.22-24. [Persian]
11. Baheri M. An Attitude to Iranian Criminal Law. Tehran: Majd Publications; 2005. p.12-15. [Persian]
12. Irani Arbati B. A Collection of Criminal Advisory Opinions. Tehran: Majd Publications; 2005. p.25-30. [Persian]
13. Aghaeinia H. *Crimes against Persons*. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.55-60. [Persian]
14. Stephen J. A History of the Criminal Law of England. London: BoD-Books on Demand; 2025. Vol.2 p. 15-20.
15. Bellis M, Hughes K, Ford K, Quigg Z, Butler N, Wilson C. Comparative relationships between physical and verbal abuse of children, life course mental well-being and trends in exposure: A multi-study secondary analysis of cross-sectional surveys in England and Wales. *BMJ Open*. 2025; 15(8): 15-20.
16. Ashouri M. *Criminal Procedure Code*. Tehran: Samt Publications; 2007. p.55-60. [Persian]
17. Ahmadi Movahed A. *Enforcement of Criminal Laws*. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.12-15.
18. Ardebili Mohammad A. *General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.11-25. [Persian]
19. Akhundi M. *Criminal Procedure Code*. 5th ed. Tehran: Islamic Culture and Guidance Publishing Organization; 2008. p.77-80. [Persian]
20. Bayat S, Lotfalizadeh E. *Brief Criminology*. Tehran: Dadbanan Dana; 2019. p.33-36. [Persian]
21. Shokri M. *Prevention of Cybercrimes Against National Security in Iran*. Tehran: Qanun Yar; 2019. Vol.1 Ch.1. [Persian]
22. Wilson R, Afifi T, Yuan K., Lyons B, Fortson B. Child abuse-related homicides precipitated by caregiver use of harsh physical punishment. *Child Abuse & Neglect*. 2023; 135(2): 105-153.
23. Hayati A. *Enforcement of Civil Judgments in the Current Legal System*. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2011. p.15-20. [Persian]
24. Hayati A. *Civil Procedure in the Current Legal System*. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2011. p.85-90. [Persian]
25. Dittmar J, Mulder B, Tran A, Mitchell P, Jones P. Caring for the injured: Exploring the immediate and long-term consequences of injury in medieval Cambridge, England. *International Journal of Paleopathology*. 2023; 40(2): 7-19.
26. Manikis M, Matheson A. Communicating censure: The relevance of conditions of imprisonment at sentencing and during the administration of the sentence. *The Modern Law Review* 2024; 87(3): 570-603.
27. Katouzian N. *Philosophy of Law*. Tehran: Mizan Publications; 2021. p.44-45. [Persian]
28. Batchelor D. Talking punishment: How victim perceptions of punishment change when they communicate with offenders. *Punishment & Society*. 2023; 25(2): 519-536.
29. Jehle J, Lewis C, Nagtegaal M, Palmowski N, Pyrcak-Górowska M. *Dealing with dangerous*

- offenders in Europe. A comparative study of provisions in England and Wales, Germany, the Netherlands, Poland and Sweden. *Criminal Law Forum*. 2021; 2(1): 55-56.
30. Salehi F. *Diyah or Financial Punishment*. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.12-15. [Persian]
31. Katouzian N. *Obligations outside the Contract of Civil Liability*. Tehran: University of Tehran; 2016. p.33-36. [Persian]
32. Mohseni M. *Course of General Criminal Law (Generalities of Criminal Law)*. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2006. p.45-50. [Persian]
33. Davies E, Obolenskaya P, Francis B, Blom N, Phoenix J, Pullerits M, et al. Definition and measurement of violence in the Crime Survey for England and Wales: Implications for the amount and gendering of violence. *The British Journal of Criminology*. 2025; 65(2): 261-281.
34. Haeri Shahbagh S. *Explanation of the General Penal Code*. Tehran: Islamic Reserves Association; 2010. p.44-45. [Persian]
35. Katouzian N. *A Step towards Justice*. Tehran: Mizan Publications; 2021. p.88-90. [Persian]
36. Aghamohammadi Aghaei E. *Natural Law and Statutory Law*. Tehran: Majd Publications; 2019. p.74-76. [Persian]
37. Katouzian N. *Justification and Criticism of Judicial Procedure*. Tehran: Mizan Publications; 2023. p.66-70. [Persian]
38. Naghi Pourgivi B, Naderian F, Roozfarakh A. *Metasynthesis of Research Conducted in the Field of Civil Liability in Iranian Sports Law*. *Strategic Studies on Sports and Youth*. 2024; 22(63): 339-360. [Persian]
39. Mafi H, Ahmadi Lemaraski R. *Jurisprudential and Legal Analysis of Lease Based on the Unit of Time*. *Legal Civilization Quarterly*. 2024; 7(19): 19-43. [Persian]
40. Devereaux S. *Execution, State and Society in England 1660-1900*. Cambridge: University Press; 2023. p.88-90.
41. Asadzadeh S. *Contract Salvation Rule*. Tehran: Majd Publications; 2025. p.55-60. [Persian]
42. Bayat F. *Contract Law*. Tehran: Taha Publications; 2022. p.58-60. [Persian]
43. Shiravi A. *Contract Law*. Tehran: Samt Publications; 2023. p.87-90. [Persian]
44. Safaei H, Rahimi H. *Civil Liability of Non-Contractual Obligations*. Tehran: Samt Publications; 2018. p.45-50. [Persian]
45. Talebi Esfandarani K. *International Law and Protection of Children in Sports*. Tehran: Majd Publications; 2025. p.74-76. [Persian]
46. Keshavarzi M. *Third Party Rights and Obligations in Contracts*. Tehran: Majd Publications; 2024. p.87-90. [Persian]
47. Araei M, Mohammadi P, Mazarei G. *Legal principles governing partnership contracts in Iranian administrative law*. *Scientific Quarterly of New Research in Administrative Law*. 2021; 3(1): 61-84. [Persian]
48. Babaei I, Torabi M. *The position of the human rights principle of human dignity and standing in contract law*. *Judiciary Law*. 2021; 85(114): 79-105. [Persian]
49. Chaghatai A, Nasiran Najafabadi D, Abbasian R. *The role of legal principles in judicial interpretation of laws*. *Perspectives on Judicial Law*. 2020; 25(90): 297-316. [Persian]
50. Javadenia R, Khalili Qaleh Bin P. *Study of the legal effects of accidents resulting from sports activities*. *Religious Studies and Law*; 2023; 1 (1): 22-25. [Persian]
51. Gholamali Tabarfirouzjaei O, Qanavati J. *Principles of Obligation in Contract Law*. *Research on Islamic Jurisprudence and Law (Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law)*. 2019; 15(56): 131-148. [Persian]
52. Feijan M, Moradi M. *Conditions for the Stability of Contracts in American Law*. *Legal Civilization*. 2019; 1(2): 109-121. [Persian]